

# به کارگیری مدل سوات (SWOT) در مدارس دوزبانه دوره اول و دوم ابتدایی (اول ابتدایی تا

## ششم ابتدایی) شهرستان اهواز با تأکید بر خلق استراتژی های کاربردی

محمد سواری<sup>۱\*</sup>، دکتر سعید طالبی<sup>۲</sup>

۱. کارشناسی ارشد، برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه پیام نور، شیراز، ایران (نویسنده مسئول).

۲. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، فارس، ایران.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره سوم، شماره بیست و دوم، مردادماه ۱۳۹۷، صفحات ۷۳-۵۲

### چکیده

هدف این پژوهش شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های موجود در مدارس دوزبانه شهرستان اهواز می‌باشد که با به کارگیری مدل سوات (SWOT) در پی شناسایی نقاط قوت، ضعف، چالش‌ها و فرصت‌ها می‌باشد. لذا روش پژوهش مورد استفاده در این مطالعات روش تحلیل متنی می‌باشد. جامعه موردنظر در این پژوهش تمامی معلمان مدارس ابتدایی شهرستان اهواز می‌باشد که با به کارگیری روش نمونه‌گیری هدفمند از بین ۲۱۲ مدرسه موردنظر ۲۲ مدرسه که بیشترین جمعیت دانش‌آموزان دوزبانه عرب زبان را داشتند انتخاب شده که در این مطالعات ۲۸ معلم به‌عنوان گروه هدف در نظر گرفته شده است؛ و با استفاده از روش مصاحبه داده‌های موردنظر جمع‌آوری شده است. سپس با به کارگیری روش تحلیلی - تفسیری داده‌های جمع‌آوری شده تجزیه و تحلیل شده است. در این مطالعات یافته‌ها در دو سطح که شامل چالش‌ها (WT) و فرصت‌ها (SO) مطرح شده است. مواردی همچون گسستگی عاطفی، انتظارات نامتعادل، بیگانگی نسبت به زبان آموزشی، تعارض و تداخلات زبانی، عدم به کارگیری اشتراکات دوزبانی و ارتباط و تعامل ناقص را میتوان از جمله نقاط چالشی مطرح کرده و مواردی همچون توانایی درک جنبه‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان دوزبانه، به کارگیری مولفه‌های فرهنگی - اجتماعی حاکم در منطقه، توانایی درک مراحل رشد زبانی در دوزبانه‌ها، استفاده از روش اشتراکات زبانی (روش دوسویه) و استفاده از روش تلفیق زبانی (روش انتقالی) را به‌عنوان فرصت‌های موجود در این مدارس می‌توان بکار برد. لازم به ذکر است که برای به کارگیری این فرصت‌ها در میدان عمل و جهت مقابله با چالش‌های روبه‌رو، استراتژی‌های عملی (SO) در پایان این مطالعات مطرح شده است.

کلید واژه‌ها: مدل سوات، دوزبانگی، مدارس دوزبانه، استراتژی کاربردی

## مقدمه

امروزه به ندرت می‌توان کشورهای را سراغ داشت که لااقل بخش کوچکی از جمعیت آن به دو یا چند زبان تکلم نکنند، هم‌اکنون حدود چهار هزار زبان گوناگون تخمین زده می‌شود. توزیع زبان‌ها یکسان نیست، بعضی نواحی عملاً تک‌زبانه هستند، درحالی‌که در برخی نواحی دیگر ممکن است حتی به چند زبان سخن گفته شود. ارقام بیانگر شرایطی هستند که در آن زبان‌ها همزیستی می‌کنند و درعین حال نشان می‌دهند که نیاز به تعلیم و تربیت دوزبانه بسیار زیاد و درعین حال بسیار پیچیده است (رضایی، ۱۳۹۱).

گسترش علم و فناوری، افزایش امکان جابه‌جایی سریع جمعیت، تغییر مداوم شرایط اقتصادی و سیاسی، تغییر افق‌های فرهنگی و نیازها و امیدهای انسان‌ها و بروز فاجعه‌هایی مانند جنگ، بیکاری و قحطی هم سبب می‌شوند که دائماً در گوشه و کنار جهان گروه‌های کثیری از مردم، محل زیست خود را ترک کنند و در نقاط دیگری سکونت کنند. این امر مستلزم سازگاری‌های بسیار از جمله سازگاری زبانی یعنی فراگیری یک‌زبان دیگر است. در کنار این نوع دوزبانگی که ناشی از جابه‌جایی سریع جمعیت در روزگار ماست، نوع دیگری از دوزبانگی نیز وجود دارد که در مقایسه با نوع اول می‌توان آن را دوزبانگی کلاسیک نامید، به این صورت که در بسیاری از کشورهای جهان به علل تاریخی گروه‌هایی از مردم که به زبان‌های گوناگون سخن می‌گویند، قرن‌هاست که در کنار هم زندگی می‌کنند، عوامل اقتصادی و فرهنگی در این کشورها به گونه‌ای آرایش یافته است که یکی از زبان‌های رایج در آنجا، به‌عنوان زبان رسمی شناخته می‌شود. به‌رحال، دوزبانگی خواه در شکل نوین و خواه در شکل سنتی آن مسائلی را برای نظام‌های آموزشی مطرح کرده است که پاسخگویی به آن‌ها، به بررسی‌های دقیق و همه‌جانبه نیاز دارد (کاظمی، ۱۳۸۹).

آمار دانش‌آموزان ورودی اول دبستان در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ در مقایسه با خروجی پنج سال بعد، همان گروه دانش‌آموز که به کلاس ششم دبستان در سال ۹۵-۹۴ رسیده‌اند، در استان تهران سه درصد کاهش را نشان می‌دهد درحالی‌که همین آمار در استان خوزستان با دوازده درصد کاهش همراه بوده است (سالنامه آماری وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۶). چنانکه ملاحظه می‌شود آمار ترک تحصیلی‌های استان خوزستان میزان قابل توجهی بالاتر از تهران است. مقایسه دیگری انجام می‌دهیم میان خروجی دانش‌آموزان کلاس سوم راهنمایی در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ با همان دانش‌آموزان که طبیعتاً پس از سه سال در سال ۹۳-۹۲، به کلاس سوم دبیرستان رفته و قرار است دیپلم بگیرند. نتایج نشان می‌دهد کاهش آمار دانش‌آموزان، از پایه سوم راهنمایی به پایه سوم دبیرستان، در تهران با پنج درصد، در خوزستان با یازده درصد، در کردستان با شانزده درصد همراه بوده است. تفسیر عددی این کاهش معادل است با

حدود ۷۵۰۰ نفر از دانش‌آموزان استان خوزستان و حدود ۳۵۰۰ نفر از دانش‌آموزان استان کردستان که بعد از گرفتن مدرک سوم راهنمایی، به دلایلی، تحصیل خود را کامل نکرده و حتی دیپلم نگرفته‌اند (سالنامه آماری وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۶). این نتایج به‌خوبی نشان می‌دهد که یکی از علل افت تحصیلی در این مناطق و شاید علت اصلی دوزبانگی بودن آنهاست. این آمارها همراه با نتایج دیگر به‌خوبی نشان می‌دهد که زبان به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه در تعلیم و تربیت و همچنین تشکیل‌دهنده ساختار ذهنی فرد باید به‌خوبی مورد توجه قرار گیرد.

فرهنگ و زبان هر کودک ادراک و برداشت‌های ویژه را در فرد ایجاد می‌کند و این برداشت موجب پیدایش الگوهای متفاوت تفکر، سبک‌های یادگیری مختلف و تفاوت‌های رفتاری در افراد می‌شود. بنابراین موفقیت و یا شکست هر دانش‌آموز بیش از آنکه جنبه فردی داشته باشد به فرهنگ و زبان خاص او برمی‌گردد (جوادی، ۱۳۷۹). زبان به‌مثابه یکی از وجوه عمده فرهنگ حاکم، وسیله تعامل در مدرسه است. اگر زبان گروه و یا گروه‌هایی از دانش‌آموزان به علت تعلق آن‌ها به خرده‌فرهنگ‌های جامعه با زبان رسمی متفاوت باشد در آموزش آنان احتمالاً مشکلاتی پیش می‌آید. فویر اشتاین در نظریه خود آن را فرق فرهنگی می‌نامد و بر اساس این نظریه دانش‌آموزان را با فرق فرهنگی دانش‌آموزانی هستند که دارای زمینه‌های فرهنگی ناهمسان، با گروه حاکم قرارگرفته‌اند و ظرفیت تطابق آن‌ها به نحو احسن در اثر دادوستد و نقل و انتقالات فرهنگی درون‌گروهی خودشان پرورش پیدا کرده است. این گروه هرگاه با نیازهایی مواجه شوند که با انتظارات فرهنگی خود متفاوت باشند، عملکرد شناختی در سطح پایین بروز می‌دهند. اکثر نظام‌های آموزشی کشورهای مختلف جهان تا اوایل قرن بیستم تلاش کردند با برقراری آموزش تک فرهنگی مسلط اقدام کنند ولی به استناد شواهد موجود این روش نه‌تنها موجب افزایش افت تحصیلی و خروج زود هنگام این نوع دانش‌آموزان از مدرسه شد که نتایج عاطفی - شناختی نامناسب را نیز در پی داشت (قاسم‌زاده، ۱۳۷۹). یکی از این نمونه‌ها در آمریکا برای دانش‌آموزان اسپانیایی مهاجر صورت گرفته که این دانش‌آموزان بر اساس برنامه غوطه‌ورسازی همسان با دانش‌آموزان تک‌زبانه آمریکایی آموزش می‌دیدند که بعد از تحقیقات سال‌های دهه شصت (۱۹۶۹ تا ۱۹۶۳) برای دانش‌آموزان دوزبانه برنامه‌های آموزشی خاصی تحت عنوان برنامه‌های دوسویه و انتقالی تنظیم و اجرا شده همچنین دانشگاه‌های تربیت‌معلم دوزبانه در کشور رایج شد. در کشور ایران که به‌عنوان یکی از کشورهای چندزبانه مطرح می‌شود هنوز دانش‌آموزان دوزبانه زیر نظام آموزشی غوطه‌ورسازی (نظام آموزشی متمرکز) آموزش می‌بینند که این نوع نظام آموزشی برای دانش‌آموزان دوزبانه چالش‌های را ایجاد کرده که امروزه به‌عنوان یکی از

علل اصلی افت تحصیلی در کشور ما مطرح شده است. لازم به ذکر است در کشورهای همچون فیلیپین که هنوز از برنامه آموزشی غوطه ورسازی برای دانش آموزان دوزبانه استفاده می کند اصلاحاتی صورت گرفته و این اصلاحات باعث شده امروزه این کشور به عنوان کشور موفق در این زمینه شناخته شود و این موفقیت به دلیل اصلاحات اساسی در برنامه های آموزشی و درسی که در سال های ۲۰۰۵ صورت گرفته لذا می توان گفت لزوم تحقیقات گسترده در این زمینه بسیار حائز اهمیت می باشد که با به کارگیری این مطالعات و شناخت فرصت ها و چالش های روبه رو می توان استراتژی های کاربردی و موفق بکار برد. این مطالعات با به کارگیری مدل سوات (SWOT) در پی شناخت فرصت ها و چالش های روبه روی مدارس دوزبانه شهرستان اهواز می باشد.

### روش پژوهش

روش پژوهش مورد نظر در این مطالعات روش تحلیل متنی می باشد؛ و جامعه آماری شامل تمامی مدارس دوزبانه شهرستان اهواز که در مجموع ۲۱۲ مدرسه دوزبانه گزارش شده که به صورت هدفمند ۲۲ مدرسه که بیشترین جمعیت دانش آموزان دوزبانه عرب را داشتند، انتخاب شده اند. در این مطالعات ۲۸ معلم به عنوان گروه هدف در نظر گرفته شده و جهت گردآوری داده ها از روش مصاحبه (سؤالات باز پاسخ) از نوع ساختارمند استفاده شده است که با به کارگیری روش تحلیلی - تفسیری داده ها مورد نظر تجزیه و تحلیل شده است

### یافته ها

داده های حاصل شده از مصاحبه با معلمان مدارس دوزبانه شهرستان اهواز در دو سطح فرصت ها و چالش ها به شرح زیر مطرح شده است.

فرصت ها (O) - نقاط قوت (S)

#### ۱- توانایی درک جنبه های روان شناختی دانش آموزان دوزبانه که متأثر از شرایط محیطی و اقلیمی

اطلاعات حاصل از مطالعه رشد و تحول کودک از آن نظر مهم است که به شکل گیری تدابیر تربیتی کمک می کند و راه هایی را به مربیان والدین نشان می دهد که شرایط لازم را برای رشد و شکوفایی کودکان و نوجوانان فراهم می آورد. در عین حال یکی از انگیزه های روانشناسی که در این زمینه مطالعه می کنند این است که در زمینه پیچیدگی ها رشد و تحول انسان و دانش پایه را فراهم کنند. در بسیاری از موارد نیز علاقه شخصی روانشناسان آن ها را به مطالعه رشد و تحول رهنمون می کند بنابراین دانش پایه ی کسب شده

در مواردی به کاررفته که در ابتدای امر مورد توجه نبوده است. انسان در مراحل مختلف زندگی به صورت مستقیم از محیط و شرایط اقلیمی حاکم متأثر می‌شود. لذا رفتارها، علایق و احساسات و حتی طرز فکر کردن و نگرش‌های او متأثر از شرایط محیطی می‌باشد. همچنین زندگی در آن شرایط و در آن اقلیم باعث می‌شود که بتوانیم جنبه‌های روان‌شناختی افراد را بررسی کنیم (علوی نژاد، ۱۳۸۹). معلمان مدارس دوزبانه شهرستان اهواز به دلیل زندگی در آن محیط و فهم شرایط محیطی و اقلیمی حاکم در آن منطقه توانایی بالایی در درک جنبه‌های روان‌شناختی کودکان دارند. این معلمان بیش از سایر معلمان می‌توانند این شرایط را بررسی کنند و همچنین این توانایی را دارند که کودکان را بر اساس شرایط محیطی خود به جلو ببرند.

## ۲- توانایی به کارگیری مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی در آموزش و یادگیری

فرهنگ به شدت بر افکار، احساسات و رفتارهای ما تأثیر می‌گذارد. در حقیقت، فرهنگ ابتدا بر لایه‌های ذهنی، ادراکی و انگیزشی تأثیر می‌گذارد. فرهنگ بخش مهمی از خط‌مشی ما است (چه چیزی را می‌توانیم به دست بیاوریم و چگونه)، بر اساس همین خط‌مشی در دنیای اجتماعی و مادی‌مان عمل می‌کنیم. در دنیایی که اغلب غیرقابل پیش‌بینی است فرهنگ قابلیت پیش‌بینی کردن را به ما ارزانی می‌کند. ما از دریچه فرهنگ به همه چیز می‌نگریم، فرهنگی که درک ما را رنگ و لعاب می‌دهد، بزرگ و کوچک می‌کند و در یک کلام به آن شکل می‌دهد. فرهنگ یک شیوه فکری یکسری عقاید ثابت است که ما از کودکی در طی فرایند اجتماعی شدن با آن بزرگ می‌شویم. درستی، یکپارچگی و ثبات ساختار شخصیت ما ریشه در فرهنگ مان دارد (رضایی، ۱۳۸۹).

کودکان که در محیط خانواده و شهر خود رشد می‌کنند بشدت متأثر از فرهنگ و جامعه خود هستند. این کودکان افکار و احساسات خود را بر اساس همین فرهنگ‌ها و ارزش‌های حاکم بروز می‌کنند. لذا در آموزش و پرورش انتظار می‌رود که دانش و محتوای خود را بر اساس همین مؤلفه‌ها انتقال دهد. مدارس دوزبانه که دارای دانش‌آموزانی با زبانی متفاوت از زبان رسمی کلاس هستند و دارای فرهنگ‌ها و ارزش‌های متفاوتی هستند جهت انتقال دانش و مفاهیم برای آموزش و یادگیری لازم است این فاکتورها را در نظر بگیرد. معلمان مدارس دوزبانه شهرستان اهواز به دلیل اینکه در آن محیط رشد کرده‌اند توانایی بالای درک مقوله‌های فرهنگی دوزبانه‌ها را دارند که این مقوله‌ها را به خوبی می‌توانند در آموزش و یادگیری مورد استفاده قرار دهند و لحاظ کنند.

### ۳- توانایی درک مرحله رشد زبانی دوزبانه و رعایت کردن آن در مفهوم‌سازی و انتقال مفاهیم

زبان فرایندی بسیار پیچیده است که تنها «انسان» به درک و فراگیری آنان قادر است. یادگیری زبان طی مراحل مشخص و پیوسته‌ای صورت می‌گیرد به نحوی که نظام زبانی کودک و افراد بزرگسال تا حدود سن چهارسالگی یکسان می‌گردد. پیچیدگی، تعدد و تنوع زبان از خصوصیات ممتاز و برجسته‌ی انسان است که نقش بسیار مهمی در شناسایی و روابط انسان بازی می‌کند. این امر توجه دانشمندان زیادی را به خود جلب کرده است به طوری که هرکدام برحسب تخصص و توانایی خود از زاویه‌ای خاص به بررسی آن پرداخته‌اند (شعاری، ۱۳۹۲). کودکان در سنین ابتدایی درحالی که کم‌کم در حال ورود به محیط مدرسه هستند در دوره رشد سریع زبانی قرار می‌گیرند که توجه نکردن به این دوره منجر به اختلالات زبانی از جمله لکنت زبانی و... می‌شود. دانش‌آموزان دوزبانه که در بدو وارد به مدرسه با زبانی غیر از زبان مادری خود مواجه می‌شوند سعی می‌کنند در ابتدا مقاومت از خود نشان دهند تا در برابر موقعیت جدید که با زبانی جدید همراه است از خود مقاومت نشان دهند. در اینجا هنر معلم است که کمک می‌کند این دانش‌آموزان از خود توانایی بالای برای جذب زبان جدید از خود نشان دهند. در مدارس دوزبانه شهرستان اهواز که مصداق این بیان می‌باشد معلمان سعی می‌کردند که دانش‌آموزان زبان فارسی را همراه با زبان مادری جذب کرده و بکار گیرند.

### ۴- تشویق کردن دانش‌آموزان دوزبانه به تلفیق مفاهیم فارسی با زبان مادری خود

ادغام رمزگانی پدیده‌ای رایج در جوامع دوزبانه است که در آن لغت یا عبارتی از یک‌زبان در بین گروهی از کلمات که به ساختار زبان مجزای دیگری تعلق دارند به کار گرفته می‌شود. این ادغام می‌تواند یک کلمه، یک عبارت و یا یک جمله کامل باشد. در طی چند دهه اخیر توجه محققین بسیاری به پدیده ادغام زبان‌ها جلب شده است. زبان‌شناسان توجه‌های گوناگونی را برای این ادغام و جابجایی از زبانی به زبان دیگر قائل هستند: با این تکنیک منظور گوینده با تأکید بیشتر و پررنگ‌تر بیان می‌شود. برخی از موضوعات مناسب‌تر است که به زبان دیگر گفته شوند. انتخاب نوع زبان روشنگر نقش گوینده آن است. گوینده به هر دو زبان تسلط کافی داشته و می‌تواند آن‌ها را روان و سلیس صحبت کند. گاهی گوینده معادل کلمه را به زبان دیگر راحت‌تر می‌تواند به خاطر آورد (فاطمی، ۱۳۸۸). در اکثر کشورهای درگیر پدیده دوزبانگی به کارگیری ادغام رمزگانی به‌عنوان یکی از فعالیت‌های مهم مدارس دوزبانه می‌باشد. در این تکنیک هم‌زبان مادری کودک حفظ می‌شود و هم کودک توانایی بالایی برای جذب زبان جدید و مفاهیم آن پیدا می‌کند. در مدارس دوزبانه شهرستان اهواز معلمان به‌خوبی از این تکنیک استفاده می‌کنند. در مدارس دوزبانه شهرستان اهواز

این تکنیک بسیار موفق می‌باشد که علت اصلی این موفقیت تلاش معلمان در تلفیق واژه‌های عربی به فارسی می‌باشد. ناگفته نماند که بین این دوزبانه ریشه‌های اشتراکی بالای وجود دارد که کار تلفیق و ادغام رمزگانی را آسان تر می‌کند.

چالش‌ها (T) - نقاط ضعف (W)

### ۱- ناتوانایی در ارتباط و تعامل پایدار

ارتباط فرایند انتقال پیام از فرستنده به گیرنده به شرط همسان بودن معانی بین آن‌ها است. معنا در علم ارتباط شامل مفاهیم ذهنی و احساسات هر دو می‌شود. ارتباطات فرایندی است که در آن معنا بین موجودات زنده تعریف و به اشتراک گذاشته می‌شود. ارتباط به یک فرستنده، پیام و گیرنده در نظر گرفته شده نیاز دارد. لذا می‌توان گفت که ارتباطات انسانی دو مقوله کلامی و غیرکلامی تقسیم می‌کنند. بیشتر متخصصان تعلیم و تربیت، ارتباط را نوعی رابطه دوطرفه می‌دانند، هرچند که رابطه یک‌طرفه نیز ممکن است وجود داشته باشد ولی اثر و عمق رابطه دوطرفه بسیار گسترده می‌باشد (رضائی، ۱۳۹۱). عمده‌ترین مسئله و مهم‌ترین مهارت هنگام تدریس، برقراری ارتباط صحیح میان معلم و شاگردان است. چنانچه این رابطه به خوبی برقرار شود، هدف‌های آموزشی باکیفیت و سهولت بیشتری تحقق می‌یابند. برقراری ارتباط دارای اصول و فنون شناخته شده‌ای است که آشنایی با آن‌ها برای معلمان ضرورت دارد. برخلاف روابط جامد مکانیکی، رابطه معلم با شاگردان در کلاس درس از نوع روابط پیچیده انسانی است و در برقراری ارتباط انسانی عوامل متعدد و گوناگونی مؤثرند. یکی از این عوامل زبان می‌باشد. معلمان مدارس دوزبانه به دلیل عدم فهم زبان دانش‌آموزان توانایی ارتباط و تعامل درست با این دانش‌آموزان را ندارند. لذا ارتباط و تعامل بین آن‌ها سرد و ضعیف می‌باشد. همان‌طور که گفتیم تدریس یعنی تعامل درست بین شاگرد و معلم می‌باشد و زمانی که این ارتباط و تعامل ضعیف می‌باشد روند کار تدریس کند و ممکن است ناموفق پیش رود. و معلمان در انتقال مفاهیم با مشکل اساسی روبه‌رو می‌شوند. این ضعف در میان معلمان مدارس دوزبانه شهرستان اهواز به خوبی مشاهده شده و آن‌ها توانایی بالایی برای ارتباط و تعامل با این دانش‌آموزان را ندارند.

### ۲- عدم توانایی در به‌کارگیری اشتراکات بین دوزبان

یکی از مهارت‌های که باید معلمان مدارس دوزبانه کسب کنند توانایی به‌کارگیری اشتراکات بین دوزبان جهت انتقال دانش و مفاهیم می‌باشد. لذا برای تسریع روند آموزش و یادگیری تکیه بر اشتراکات بین دوزبان یکی از راهکارهای مطرح شده می‌باشد. زبان شناسان در این زمینه تأکید کردن که در مدارس دوزبانه سعی شود ریشه‌های مفاهیم را در دوزبان به هم وصل کرده تا روند آموزش و انتقال

مفاهیم و همچنین کدگذاری آن‌ها سریع‌تر اتفاق بیفتد. همچنین معلمان برای انتقال مفاهیم وقت کمتری و انرژی کمتری را صرف می‌کنند. معلمان مدارس دوزبانه اگر توانایی استفاده از این مهارت را دارند می‌توانند برای انتقال یک مفهوم ریشه‌یابی کرده و اشتراکات بین دو مفهوم از دوزبان مختلف را پیدا کرده و ریشه اتصال آن‌ها را خلق و مفهوم را انتقال دهد. این مهارت منجر به یادگیری سریع آسان‌تر کردن کار معلمان در این مقوله می‌شود.

### ۳- عدم ارتباط با زبان مادری کودک

معلمان مدارس دوزبانه به دلیل عدم توانایی صحبت کردن به زبان مادری کودکان، توانایی صمیمی شدن و تبادل احساسات و عواطف خود با دانش‌آموزان را ندارند. لذا معلمان مدارس دوزبانه بیش از سایر همه معلمان از صمیمیت کمتری با دانش‌آموزان خود برخوردار هستند. این وضعیت بر روند تسریع یادگیری تأثیرگذار بوده و کار معلمان مدارس دوزبانه را دوچندان می‌کند. معلمان مدارس دوزبانه برای ایجاد ارتباط و رابطه صمیمی با دانش‌آموزان خود انرژی زیادی را باید صرف کنند. همچنین مهارت‌های خلقی این صمیمیت را باید داشته باشند.

### ۴- عدم ارزشیابی صحیح دانش‌آموزان

ارزشیابی را جمع‌آوری و استفاده از اطلاعات جهت تصمیم‌گیری در مورد یک برنامه آموزشی می‌داند. به عقیده کرانباخ تعیین موفقیت یا عدم موفقیت برنامه‌های آموزشی فقط از طریق جمع‌آوری اطلاعات در موقعیت‌های واقعی یاددهی - یادگیری امکان‌پذیر می‌باشد و هرگونه تصمیم‌گیری در مورد برنامه آموزشی باید بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده صورت گیرد (کرانباخ، ۲۰۰۱). در رویکرد سنتی ارزشیابی، عمدتاً معلمان، تلاش می‌نمودند از نتایج یادگیری دانش‌آموزان ارزشیابی به عمل آورند و آن را به صورت نمره گزارش دهند. کمتر تلاش می‌شد که به نحوه و چگونگی یادگیری و بهبود آن توجه شود. در این الگوی جدید ارزشیابی، معلم، ارزشیابی را در خدمت یادگیری قرار می‌دهد؛ لذا نگاه وی به آن کاملاً تغییر می‌کند. ارزشیابی‌های او به گونه‌ای است که به یادگیری بهتر بینجامد. لذا ضعف‌های عملکرد دانش‌آموزان و قوت‌های آن‌ها، برای این منظور بررسی می‌شود که راهی برای برطرف کردن و یا بهبود آن‌ها یافت شود، نه این‌که صرفاً ضعف‌ها منعکس شود. همچنین این الگوی ارزشیابی، موجب می‌شود معلم خود را هم‌سفر یادگیری دانش‌آموزان بداند و با آن‌ها در مسیر حرکت کند، نه کسی که در پایان راه ایستاده و منتظر است که مشاهده کند چه کسی زودتر به پایان راه (یادگیری) می‌رسد. اگر یادگیری راجحیانی هدفمند و پیوسته بدانیم که از مبادی آغاز و به نتایج می‌رسد؛ ارزشیابی



هم جریانی پیوسته است که از مبادی آغاز می‌شود و به نتایجی می‌رسد؛ یعنی دوش‌به‌دوش یادگیری به‌پیش می‌رود؛ لذا ارزشیابی زمانی برای یادگیری و در جهت بهبود یادگیری خواهد بود که پیوسته اطلاعات مفیدی برای دانش‌آموزان از طریق بازخورد، فراهم آورد. با ترکیب و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده از این نوع ارزشیابی‌ها که طی مراحل مختلف گردآوری شده است، معلم می‌تواند تصمیم‌های مناسب آموزشی درباره دانش‌آموز بگیرد. در این زمینه گردآوری اطلاعات برای ارزشیابی بسیار مهم می‌باشد و معلمان با ارتباط و تعامل مستمر و پایدار با دانش‌آموزان می‌توانند این اطلاعات را گردآوری کنند. معلمان مدارس دوزبانه به دلیل اینکه دانش‌آموزان توانایی صحبت کردن به زبان فارسی را ندارند یا ضعیف عمل می‌کنند معلمان نمی‌توانند درست اطلاعات لازم برای ارزشیابی و علی‌الخصوص ارزشیابی توصیفی را گردآوری کنند.

#### ۵- نبود مهارت لازم در به‌کارگیری الگوها و روش‌های آموزشی مناسب دوزبانگی

تدریس کار آسانی نیست. معلم در تدریس با عوامل مختلف و متعددی سروکار دارد که کنترل مجموعه آن‌ها ممکن است محیط را به وجود آورد که یادگیری مطلوب و مؤثر در آن صورت گیرد. این عوامل مختلف و به‌طور کلی جامعه‌ای که معلم و شاگرد در آن زندگی می‌کنند در کیفیت تدریس معلم تأثیر می‌گذارد. بدیهی است که معلم نمی‌تواند همه عوامل مذکور را تحت کنترل خود درآورد؛ بنابراین معلم در ایجاد موقعیت مناسب یادگیری قادر به تغییر و کنترل بسیاری از عوامل نیست اما تا حدی می‌تواند با تعیین هدف‌های صریح اجرایی و اتخاذ الگو و روش‌های مناسب تدریس و تهیه و به‌کارگیری تجهیزات لازم و ایجاد نوعی ارتباط سالم با شاگردانش، کیفیت تدریس خود را دست‌خوش تغییر و تحول و پیشرفت بکند. الگوی تدریس که معلم با توجه به شرایط مختلف و عوامل متعدد تأثیرگذار در این زمینه انتخاب می‌کند. تأثیر مستقیمی در روند یادگیری دانش‌آموزان، تأثیرپذیری آن‌ها از معلم خود، ایجاد دید کلی نسبت به مدرسه و درس و حتی تأثیر زیادی در دید کلی دانش‌آموز به علم و نفس یادگیری و علم‌آموزی می‌گذارد. هر قوانین الگو و روند تدریس معلم مناسب باشد تأثیر مثبتی در آینده و زندگی آینده فرد خواهد داشت. معلم برای استفاده از یک الگوی تدریس باید مشخص کند که شاگردانش چه فعالیت‌هایی باید انجام دهند و توالی این فعالیت‌ها و مراحل اجرایی آن‌ها چگونه باید باشد تا معلم و شاگرد بتوانند سریع‌تر و راحت‌تر و مؤثرتر به هدف‌های آموزشی برسند؛ مثلاً باید مشخص شود که معلم باید محور همه فعالیت‌های آموزشی باشد یا اینکه فراگیران باید نقشی فعال داشته باشند. در الگوهای آموزشی باید در چهارچوب هر یک از الگوها، به‌هنگام تدریس باید مراحل خاص و معینی را طی کرد. این مراحل مشخص‌کننده فعالیت‌های آموزشی معلم و

شاگرد در فرایند تدریس و در محدوده آن الگوی ویژه خواهد بود. با توجه به اینکه نظام آموزشی کشور ما یک نظام متمرکز می‌باشد لذا معلمان دوزبانه برای انتقال دانش و ایجاد یادگیری پایدار در مدارس دوزبانه نیازمند به‌کارگیری مدل‌های آموزشی مناسب از جمله مدل دوسویه که امروزه در اکثر کشورهای درگیر پدیده دوزبانگی مورد استفاده قرار گرفته و نتایج حاکی از اثرگذاری آن می‌باشد. همچنین روش‌ها و الگوهای تدریس باید مبتنی بر همین مدل‌ها باشد. که معلمان مدارس دوزبانه شهرستان اهواز در زمینه به‌کارگیری الگوها و روش‌های تدریس مناسب دوزبانه‌ها مهارت کافی ندارند که این مورد در مصاحبه با اکثر معلمان ثابت شده است. در اجرای الگوی آموزشی، نقش معلم در کلاس نمایانگر نوع کنش و واکنش او در مقابل شاگردان است. مثلاً در اجرای الگوی تدریس، ممکن است نقش معلم کنترل محیط آموزشی تلقی شود. همچنین در کاربرد الگوی تدریس، باید توجه داشت که از نظر یادگیری، چه رابطه‌ای باید بین شاگردان وجود داشته باشد و نحوه تصمیم‌گیری چگونه باید باشد. البته نوع واکنش معلم تا اندازه‌ای تعیین‌کننده ماهیت روابط میان گروهی در کلاس خواهد بود. مثلاً اگر معلم انتقال‌دهنده اطلاعات باشد شاگردان دریافت‌کننده و غیرفعال خواهند بود.

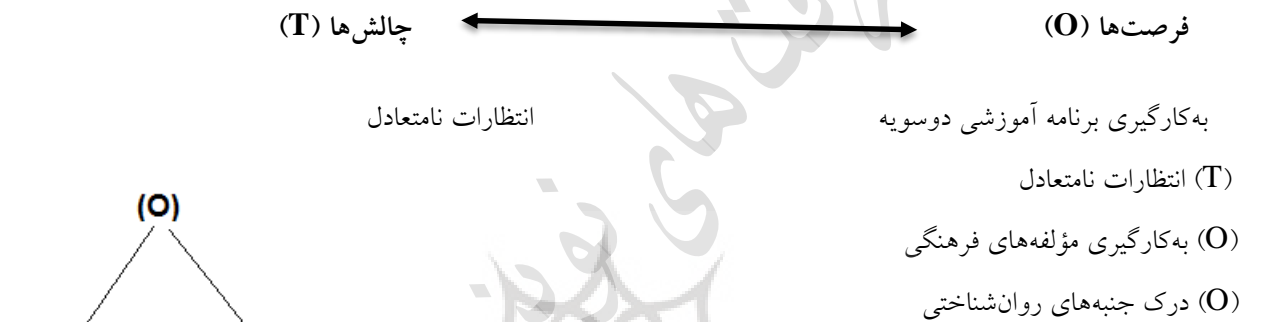
#### ۶- گسستگی عاطفی بین معلم و دانش‌آموز ناشی از عدم استفاده از زبان مادری کودک

دومین محیطی که فرد بعد از تولدش با آن روبه‌رو می‌شود، «مدرسه» است. مدرسه، زمانی وظیفه آموزشی و پرورشی خود را شروع می‌کند که آموزش و پرورش کودک قبلاً در خانه صورت گرفته است و چون هر جامعه، نیازمند پیشرفت و ترقی است، اهمیت زیادی برای تعلیم و تربیت مدرسه‌ای قائل می‌شود و خوشبختانه، رفتن به مدرسه در اکثر جوامع، بخش مهم و گاه اجتناب‌ناپذیر زندگی هر فرد است. آموزش و پرورش در هر جامعه اهدافی را دنبال می‌کند. در مدرسه، هدف از آموزش، انتقال آموخته‌ها و دانش‌ها از نسلی به نسل دیگر است و هدف از پرورش، بار آوردن دانش‌آموزان مطابق با توقعات و خواسته‌های خانواده‌ها و دولت است. در مدارس دوزبانه معلمان با زبانی غیر از زبان مادری کودک صحبت می‌کنند. کودکان در بدو ورود به مدرسه با این پدیده که این محیط همانند محیط خانواده نیست مواجه می‌شوند. همچنین معلمان به دلیل عدم فهم زبان مادری آن‌ها توانایی ارتباط و تعامل درست با دانش‌آموزان را ندارند و این منجر به فاصله عاطفی عمیق و گسستگی عاطفی می‌شود. در مدارس دوزبانه اهواز معلمان نسبت به این مقوله نظراتی را مطرح کردن که نشان‌دهنده گسستگی عاطفی می‌باشد یکی از این موارد شیوع مدرسه‌گریزی در این مدارس می‌باشد. لذا ایجاد رابطه عاطفی و مطلوب یکی از اساسی‌ترین مهارت‌هاست. یک معلم لازم است روابط حسنه‌ای با

دانش‌آموزان داشته باشد. ایجاد رابطه خوب یکی از ضروریات دستیابی به محیطی قابل اعتماد، امن، شاداب و پرنشاط است. روابط خوب، مدرسه‌ای شاد و دانش‌آموزانی با دستاوردهای بالا به وجود می‌آورد.

### بحث و نتیجه‌گیری

با به‌کارگیری فرصت‌های موجود می‌توان در مقابل چالش‌های مطرح‌شده راهکارهای عملی مناسبی مطرح کرد. در این مطالعات سعی شده با استفاده از فرصت‌های شناسایی‌شده در مدارس دوزبانه جهت مقابله با چالش‌ها و بهبود ضعف‌ها استراتژی‌های به شرح زیر مطرح کرد.



انتظارات معلم از دانش‌آموز تحت تأثیر عوامل مختلفی است مثل نمرات قبلی دانش‌آموز، لباس، اسم، قیافه ظاهری، جنس، لهجه و زبان دانش‌آموز، شغل والدین او، نحوه پاسخگویی دانش‌آموز به معلم و بسیاری دیگر از متغیرهاست. دانش‌آموزان بشدت تحت تأثیر انتظارات معلم خود قرار دارند (گود، ۱۹۹۷). سؤال مهم این است که انتظارات معلم از دانش‌آموز چه تأثیری بر عملکرد او دارد؟ تحقیقات مختلف ثابت کرده، به‌محض اینکه کودک توسط معلم یا دوستان خود تعیین هویت شد، آن‌وقت است که فرآیند پیشگویی خود تحقق‌بخش آغاز می‌شود. یعنی معلم فقط انتظار رفتار خاصی از دانش‌آموز دارد و دانش‌آموز نیز به این انتظار پاسخ می‌دهد. همین‌که این الگو تثبیت شد، تغییر دادن آن کار بسیار دشواری است این تعیین هویت تأثیر زیادی بر تصویر دانش‌آموز از خود دارد. به جهت اهمیت این فرآیند، لازم است با دقت بیشتری به آن پرداخته شود (شارع پور، ۱۳۸۹) لذا دانش‌آموزان دوزبانه به علت عدم فهم زبان فارسی توانایی فهم و درک انتظارات معلم را ندارند. آن‌ها حتی توانایی درک هدف‌های آموزشی و رفتاری را در مدرسه را ندارند. لذا وقتی که در محیط خانواده

قرار می‌گیرند والدین آن‌ها با انتظارات متفاوتی با آن‌ها برخورد کرده و آن‌ها توانایی درک انتظارات خانواده را ندارند. آن‌ها توانایی فهم این انتظارات را به‌خوبی از زبان والدین را ندارند اما در مدرسه به علت عدم فهم زبان مدرسه توانایی درک انتظارات معلم را ندارند. این خود منجر به انتظارات نامتعادلی بین محیط مدرسه و محیط خانواده می‌شود که این خود می‌تواند تأثیر عمیقی بر تصور معلمان از دانش‌آموزان خود پیدا می‌کند. در این زمینه نظریه پیشگویی خود تحقق‌بخش به‌عنوان مصداقی مؤید این موضوع می‌باشد. از طرفی معلمان که انتظاراتی متفاوتی نسبت به دانش‌آموزان و خانواده‌ها آن‌ها دارند توانایی آن‌ها برای القای اهداف آموزشی را از دست می‌دهند. همچنین این چالش در درون مدرسه منجر به گوشه‌گیری دانش‌آموزان می‌شود. در این زمینه فرصت‌های وجود دارد که از جمله به‌کارگیری مؤلفه‌های فرهنگی دانش‌آموزان در زمینه تعلیم و تربیت که باعث می‌شود دانش‌آموزان دوزبانه نسبت به محیط آموزشی و نیروی انسانی موجود در آنجا احساس دوگانگی و تعارض را نداشته باشند. از طرفی فهم جنبه‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان دوزبانه منجر به فهم رفتارهای آن‌ها می‌شود. زمانی که جنبه‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان مورد توجه قرار گیرد معلمان می‌توانند به‌راحتی با آن‌ها در ارتباط باشند و همچنین توانایی بالای در فهم انتظارات آن‌ها پیدا کنند.

#### به‌کارگیری مدل‌ها و روش‌های مناسب دوزبانگی

نظام آموزشی مستقر در ایران از نوع نظام آموزشی متمرکز می‌باشد که برنامه‌های آموزشی آن به‌صورت متمرکز و برنامه‌های درسی آن به‌صورت نیمه‌متمرکز می‌باشد. این نظام برای دانش‌آموزان دوزبانه به‌عنوان یک نظام آموزشی غوطه‌ورسازی می‌باشد (سواری، ۱۳۹۴).

چالش (T) ← فرصت‌ها (O)

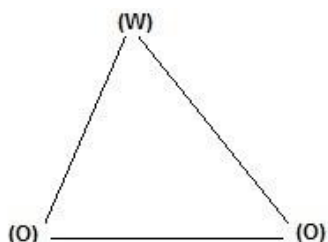
(T) - ناتوانایی در انتقال مفاهیم و به‌کارگیری روش تدریس تعاملی محور

O<sup>1</sup> - به‌کارگیری مدل آموزشی دوسویه

O<sup>2</sup> - به‌کارگیری اشتراکات زبانی

## به کارگیری مدل آموزشی دوسویه

مدل آموزشی دوسویه در سال ۱۹۸۶ در دانشگاه کمبریج طراحی شد. این روش از نوع دو زبانه افزایشی است که در آن هر دو زبان مورد حمایت قرار می‌گیرد؛ یعنی نصف برنامه‌های آموزشی به زبان مادری دانش‌آموز و نیمی دیگر به زبان رسمی ارائه می‌شوند. از دیدگاه لیندهلم (۱۹۹۹) اهداف آموزش دوزبانه دوسویه رامی توان در سه مورد ذیل بیان کرد.



۱. مهارت بالای علمی در هر دو زبان برای همه دانش‌آموزان؛

۲. فراهم نمودن فرصت‌های آموزشی برابر؛

۳. درک کامل تعامل بین فرهنگی.

در این روش زبان مادری دانش‌آموز و زبان رسمی در تعامل کامل مورد حمایت قرار می‌گیرد و درک کامل تعامل بین فرهنگی و فرصت‌های آموزشی برابر صورت می‌گیرد؛ در این صورت یادگیری زبان مادری مانعی برای یادگیری زبان دوم و پیشرفت تحصیلی ایجاد نمی‌کند (گاریسا، ۲۰۰۹). در کشورهای درگیر پدیده‌ی دوزبانگی مدل آموزشی غوطه‌ورسازی برای مدتی به‌عنوان تنها مدل مطرح شده مورد استفاده قرار می‌گیرد. پس از چالش‌های به وجود آمده از این مدل آموزشی کشورهای درگیر این پدیده مثل آمریکا و چین و حتی بریتانیا دست به مطالعات مفصلی در زمینه پدیده‌ی دوزبانگی برداشته‌اند. انقراض زبان بومیان اسپانیایی‌زبان در کشور آمریکا برای مدتی چالش‌های بزرگی را ایجاد کرده است؛ که در آن زمان دولت آمریکا لایحه استفاده از زبان مادری بومیان اسپانیایی اصل را در کنار زبان رسمی آموزشی را تصویب کرد. در این دوره نظام آموزشی از غوطه‌ورسازی به‌نظام آموزشی انتقالی به‌صورت تدریجی تبدیل شد و بعد از گذشت چند دهه امروزه نظام آموزشی دوزبانگی در آمریکا به سمت مدل آموزشی دوسویه در حال حرکت می‌باشد.

همان‌طور که مطرح کرده‌ایم مدل آموزشی دوسویه علاوه بر تأکید بر استفاده از زبان مادری زبان رسمی یک کشور را مهم می‌داند. اما در این مدل آموزشی آنچه مطرح هست این است که برای آموزش دوزبانه‌ها استفاده از زبان مادری‌شان به‌عنوان سکوی برای انتقال مفاهیم و دانش و همچنین ایجاد اتصالی قوی بین زبان رسمی و زبان مادری بکار گرفته می‌شود. پس از مصاحبه با معلمان مدارس دوزبانه شهرستان اهواز میزان حضور این مدل آموزشی در مدارس به این شرح می‌باشد.

چالش‌ها (T) ← فرصت‌ها (O)

W- گسستگی عاطفی

1S- به کارگیری مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی دانش‌آموزان

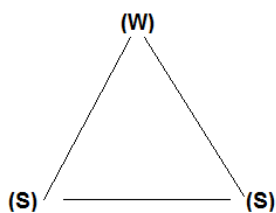
2S- استفاده از زبان مادری

### برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی جهت توانمندسازی معلمان

جهت توانمندسازی معلمان در زمینه‌های الگوهای و روش‌های تدریس مناسب دوزبانگی و همچنین توانایی بالا در زمینه آموزش مهارت‌های گوش دادن که یکی از معضلات دوزبانگی در همین مورد می‌باشد. و دانش‌آموزان دوزبانه به دلیل عدم فهم زبان فارسی توانایی گوش دادن به صورت صحیح را ندارند.

### مدل آموزشی انتقالی

ریچادز و همکاران (۲۰۰۲) آموزش دوزبانه انتقالی را چنین توصیف می‌کنند «کاربرد جزئی یا کلی زبان خانه وقتی که کودک وارد مدرسه می‌شود و تغییر بعدی آن به کاربرد صرف زبان» به طور خلاصه آموزش انتقالی، دانش‌آموز را به طور موقت برای شنا کردن در یک استخر کوچک زبان مادری آماده می‌کند تا موقعی که کودک توان شنا کردن در رودخانه (زبان اکثریت) را داشته باشد. برنامه‌های آموزش دوزبانه انتقالی قصد دارد تا معلمان دوزبانه را به کار گیرد که بیشتر گروه‌های زبان‌شناختی خودشان را که عمیقاً با نحوه عمل فرهنگ و زبان بومی‌شان آشنا هستند برنامه‌های زبانی مشخص ندارد معلمان از یک طرف موظف‌اند تا زبان اکثریت را تدریس کنند و از طرفی دیگر باید از زبان مادری کودکان برای ترفیع آموزش زبان اکثریت استفاده نمایند هدف آموزش دوزبانه انتقالی همگون سازی است و بر اساس این منطق استوار است که کودکان در زبان اکثریت جامعه توانایی لازم را جهت ارتباط داشته باشند. آموزش دوزبانه انتقالی به دو نوع اصلی تقسیم می‌شود: خروج زود هنگام و خروج دیر هنگام. در برنامه خروج زود هنگام، دانش‌آموزان فقط در دو سال مدرسه به زبان مادری درس می‌خوانند، اما در برنامه خروج دیر هنگام به دانش‌آموزان اجازه داده می‌شود تا آخر دوره ابتدایی (کلاس ششم) ۴۰ درصد دروس را به زبان مادری یاد بگیرند. شاید سیاست‌های آموزشی هیچ کشوری در آموزش دوزبانه، با مدل انتقالی به اندازه ایالات متحده آمریکا بحث‌انگیز نبوده است سیاست‌هایی که منجر به تغییر زبان مهاجران،



پناهندگان به تک‌زبانه انگلیسی می‌شود این نوع سیاست کاربرد زبان خانگی کودک را تا زمانی که مهارت لازم در انگلیسی را کسب نماید حمایت می‌کند.

طبق تعریف آگوست و هاگوتا (۱۹۹۸) فراگیران زبان انگلیسی در آمریکا بخشی از آموزش خود را از طریق زبان مادری‌شان کسب می‌نمایند اما هدف گذر از زبان کودکان به زبان انگلیسی است.

برنامه دوزبانه انتقالی در سرتاسر ایالات متحده برای تدریس مهاجران مخصوصاً دانش‌آموزان اسپانیایی استفاده می‌شود. هدف این برنامه ادغام سریع هر چه بیشتر زبانی کودکان است. کلاس‌های آموزش دوزبانه انتقالی از کلاس‌های اولی‌ها و کودکان‌ها شروع و تا سال سوم ادامه می‌یابد و اساساً این نوع برنامه‌ها، از نوع آموزش دوزبانه انتقالی خروج زودهنگام می‌باشد که بعد از سه سال این برنامه‌ها پایان می‌پذیرد. در مدل آموزشی انتقالی برنامه‌ی آموزشی به صورت تدریجی از زبان مادری به معیارهای زبان رسمی حرکت می‌کند. یعنی در واقع آنچه در این مدل آموزشی مطرح می‌باشد استفاده‌ی از زبان مادری در بدو وارد دانش‌آموز دوزبانه به مدرسه می‌باشد و بعد از رسیدن به درجه تسلط و گرفتن گواهینامه سطح تسلط بر زبان مادری دانش‌آموز وارد مرحله آموزش به زبان رسمی می‌شود. این مدل آموزشی برای مدت کوتاهی در کشورهای همچون آمریکا و سنگاپور مورد استفاده قرار گرفته بود. پس از مصاحبه با معلمان مدارس دوزبانه شهرستان اهواز میزان حضور این مدل آموزشی در مدارس به این شرح می‌باشد.

#### به‌کارگیری زبان مادری جهت ایجاد تعادل بین محیط مدرسه و خانه (استراتژی اول)

همان‌طور که در چالش سوم مطرح کرده‌ایم دانش‌آموزان دوزبانه عرب‌زبان در هنگام ورود به محیط مدرسه به علت مواجهه با زبان فارسی احساس بیگانگی و تعارض بین آنچه در خانه و خانواده مطرح هست با آنچه در مدرسه می‌بینند مواجه شوند. لذا این دانش‌آموزان در یک دوره تعارض و عدم تعادل بین این دو محیط به سر می‌برند. لذا کودک در بدو ورود به مدرسه، محیط مدرسه را جهت تطابق خود با آن سعی می‌کند آن را شناسایی کند. در مدل آموزشی غوطه‌ورسازی آنچه مطرح هست تکیه بر زبان آموزشی رسمی می‌باشد و کودک هنگام مواجهه با زبان فارسی احساس بیگانگی و عدم تعادل بین محیط مدرسه و محیط خانواده را به‌خوبی حس می‌کند که این خود منجر به اضطراب و نگرانی در کودک می‌شود. اما زمانی که کودک در محیطی قرار گیرد که در آن محیط، ویژگی‌های خانواده خود و زبان مادری خود را در آنجا احساس کند. محیط مدرسه را محیطی امن و نزدیک به محیط خانواده خود می‌داند. لذا زبان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم و مؤثر بر محیط کودک در بدو ورود به مدرسه می‌تواند در ساخت

چنین احساسی بسیار مؤثر باشد. برای رسیدن به چنین محیطی لازم است که معلمان مدارس دوزبانه سعی کنند محیط مدرسه را هماهنگ با محیط خانواده برای کودک مهیا کنند. دانش‌آموزان دوزبانه در برخورد با چنین حالت‌هایی این توانایی را پیدا می‌کنند که به راحتی بین محیط مدرسه و محیط خانه ریشه وصل را ایجاد می‌کنند. معلمان مدارس دوزبانه باید توانایی این مهارت را داشته باشند. که بتوانند محیطی را برای این دانش‌آموزان ایجاد کنند که دانش‌آموزان به این توانایی برسند. این خود به‌عنوان فاکتوری مؤثر در یادگیری و به‌صورت کلی در علاقه و انگیزه آن‌ها برای تحصیل مؤثر می‌باشد.

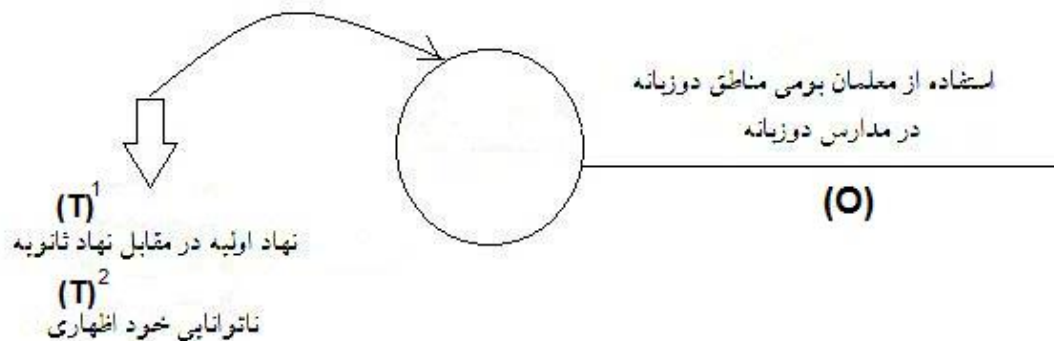


تعارض و دوگانگی بین محیط مدرسه و محیط خانواده

استفاده از معلمان بومی مناطق دوزبانه در مدارس دوزبانه (استراتژی دوم)

با بررسی چالش اول و چهارم می‌توان گفت در برخورد با این دو چالش معلم به‌عنوان عنصری مؤثر در دور زدن این دو چالش مطرح می‌شود. معلمان به‌عنوان مجریان آموزشی نزدیک‌ترین افراد در ارتباط با دنیای کودک می‌توانند برای حل و فصل کثیر از معضلات دست‌به‌کار شوند. آنچه در چالش اول و چالش سوم مطرح هست نیازمند ارتباط صحیح با دانش‌آموز می‌باشد. عدم ارتباط با دانش‌آموز منجر به عدم شناخت انتظارات معلم و همچنین عدم انتقال صحیح دانش می‌شود. زمانی که نیروهای مورد نیاز در مدارس دوزبانه از نیروهای بومی همان مناطق تربیت شود امکان ارتباط دانش‌آموز با معلم خود ایجاد شده و همچنین این ارتباط منجر به احساس تعلق به محیط مدرسه در دانش‌آموز می‌شود. همچنین این نیرو این توانایی‌ها را دارد که برای انتقال دانش از دو زبان به‌عنوان دو بازوی محکم جهت یادگیری پایدارتر استفاده می‌کند. آنچه در این مورد مهم می‌باشد مهارت کافی معلمان در تلفیق و ترکیب بین دو زبان و به‌کارگیری صحیح آن‌هاست.





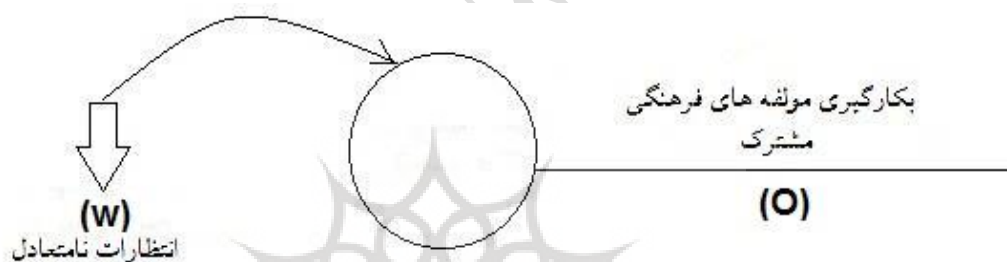
شایان ذکر است که استفاده از معلمان بومی مناطق دوزبانه در مدارس دوزبانه نیازمند مهارت‌های حرفه‌ای که زمینه‌ساز به‌کارگیری فرصت‌های استفاده از زبان مادری در کنار زبان آموزشی و خلق محیطی مرتبط با محیط خانواده را ایجاد کند. در این زمینه کشور چین با بکارگیری مدل آموزشی انتقالی در دهه اخیر نمونه بارز و موفق در این زمینه می‌باشد.

#### به‌کارگیری مؤلفه‌های فرهنگی (استراتژی سوم)

زبان به‌عنوان مؤلفه‌ی مهم و اساسی یک فرهنگ می‌تواند مهره اساسی در تعادل و تطابق بین محیط مدرسه و خانواده باشد و اکثر متخصصان حوزه‌ی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در این زمینه موضوعات مهمی را مطرح کرده‌اند. خانواده و مدرسه دو نهادی هستند که به‌طور مستقیم بر کودک تأثیر می‌گذارند. بسیاری از تجربیات جامعه از طریق این نهادها به کودک منتقل می‌شوند. با توجه به اهمیت خانواده در زندگی اکثر کودکان و اهمیت عملکرد تحصیلی در زندگی آتی فرد، تعجبی ندارد که امروزه تحقیقات بی‌شماری در خصوص رابطه بین خاستگاه خانوادگی و عملکرد تحصیلی، صورت می‌گیرد و در واقع، خانواده نه تنها کودک را در دوران قبل از بلوغ جسمانی حمایت می‌کند، بلکه نخستین فرصت‌های اجتماعی شدن و تعلیم و تربیت را برای کودک فراهم می‌سازد (موریس، ۱۳۸۳).

به‌رغم وجود تفاوت بین محیط مدرسه و محیط خانواده هر دو دارای هدف مشابهی هستند. خانواده و مدرسه هر یک در تضمین رشد بهینه کودک، وظایف و تکالیف خاصی دارند. خانواده می‌پذیرد که تأمین‌کننده نیازهای فیزیکی کودک در ارتباط با تغذیه، پوشاک، مسکن و بهداشت باشد و مهارت‌های اجتماعی پایه را به کودک آموزش بدهد و زمینه یادگیری مدرسه‌ای را فراهم آورد.

مدرسه نیز به نوبه خود پذیرای آن است که محیط، نیروی انسانی و برنامه درسی مناسبی برای نیازها، علایق و سبک یادگیری کودک، فراهم سازد. البته به دلایل گوناگون، اکثر خانواده‌ها و مدارس به طور کامل به وظایف اساسی خود عمل نمی‌کنند. پیش از آنکه کودک وارد مدرسه شود، اکثر اوقات او با خانواده صرف می‌شود. در خانواده است که یاد می‌گیرد چگونه با والدین، برادران و خواهران خود و همچنین با همسایگان رفتار کند. وقتی کودک وارد مدرسه می‌شود، فرض بر این است که می‌تواند برخی از الگوهای رفتاری را که در محیط خانواده آموخته است، در این شرایط جدید به کارگیرد برای مثال واکنش به تقاضای بزرگسالان، احترام به خواسته‌های کودکان دیگر و... اما مدرسه تقاضاها و خواسته‌های جدیدی دارد که کودک قبلاً در خانه با آنها مواجه نشده، لذا باید راه‌ها و اصول جدیدی برای مواجهه با این تقاضاها یادگیرد.



ماتریس نهایی (SWOT)	
(T)، (W)	(S)، (O)
<p>- نبود مهارت کافی در به کارگیری اشتراکات بین دوزبان</p> <p>- نبود مهارت کافی در به کارگیری الگوها و روش های تدریس مناسب دوزبانگی</p> <p>- ناتوانایی ارتباط و تعامل پایدار و مستمر با دانش آموزان</p> <p>- ناتوانایی ارزشیابی صحیح دانش آموزان</p> <p>- عدم توانایی در تبادل احساسات و عواطف با دانش آموزان</p> <p>- ناتوانایی ارتباط با زبان مادری کودک</p> <p>- گسستگی عمیق ناشی از عدم استفاده از زبان مادری کودک</p> <p>- نبود مهارت کافی در آموزش مهارت های شفاهی زبان فارسی به دانش آموزان</p> <p>- انتظارات نامتعادل بین معلمان و دانش آموزان دوزبانه</p> <p>- تعارض بین محیط خانواده و محیط مدرسه</p> <p>- تعارض و دوگانگی بین معلمان و دانش آموزان</p>	<p>- توانایی درک جنبه های روان شناختی دانش آموزان</p> <p>- درک مرحله رشد زبانی و رعایت کردن آن در آموزش و یادگیری</p> <p>- به کارگیری مؤلفه های فرهنگی اجتماعی دانش آموزان در آموزش و یادگیری</p> <p>- تشویق کردن دانش آموزان به تلفیق دوزبان</p> <p>- تشویق کردن دانش آموزان به یادگیری زبان فارسی</p> <p>- استفاده از سیستم پدرازشی دوزبان در آموزش یادگیری</p> <p>- یادگیری و آموزش بر اساس اشتراکات بین دوزبان</p> <p>- به کارگیری مدل آموزشی دوسویه جهت انتقال مفاهیم به زبان مادری</p> <p>- به کارگیری زبان مادری جهت تعامل و ارتباط پایدار</p> <p>- استفاده از مؤلفه های فرهنگی اجتماعی دانش آموزان</p> <p>- اجرای مدل آموزشی انتقالی جهت یادگیری زبان فارسی تلفیق آن با زبان مادری</p>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابراهیم‌زاده، خوشدوی؛ الهی، طاهره و رضایی، مظاهر (۱۳۹۱). حافظه کاری کودکان یک‌زبانه دوزبانه. فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، ص ۲۸ و ۳۰.
- ابوالقاسمی، علی؛ رضایی، حامد (۱۳۹۰). مقایسه شایستگی اجتماعی و مولفه های آن در دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری و دانش‌آموزان دارای پیشرفت تحصیلی پایین. مجله ناتوانی‌های یادگیری، دوره ۱، شماره ۱، ص ۶.
- احدی، حسن (۱۳۹۴). اختلالات یادگیری از نظریه تا عمل. تهران: انتشارات ارسباران.
- اردکانی، علیرضا (۱۳۸۳). برنامه‌ریزی زبان‌آموزی و مسئله چندزبانگی. پژوهشنامه زبان فارسی چالش‌ها و راهبردها، ص ۱۱ و ۱۳.
- بنی‌اسدی، حسن، (۱۳۹۰). دانش ارتباط غیرکلامی و شایستگی اجتماعی. اندیشه و رفتار، دوره پنجم، شماره ۵۳، ۲۰-۴۳.
- جیگنژ، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران، انتشارات شیرازه.
- داوری، احمد (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی زبان، تهران انتشارات آگاه .
- زینب، ژاله (۱۳۹۴). بررسی رابطه حافظه کاری و بهره هوشی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر یک‌زبانه و دوزبانه دبیرستان‌های تهران. نشریه آموزش ارزشیابی، شماره ۸، ص ۱۱۱.
- سپهر، حسن (۱۳۸۳). سوادآموزی و ضرورت توجه به نیازهای کودکان دوزبانه. مجموعه مقالات منتخب همایش آموزش و پرورش: مشکلات و راه‌حل‌ها. سنندج، صص ۲۰۲-۱۹۶.
- سواری، محمد (۱۳۹۴). دانش‌آموزان دوزبانه و معضلات آموزشی آن‌ها با تأکید بر راهکارهای کاربردی. مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی، ص ۱۳۸.
- شارع پور، محمود (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش (با تجدیدنظر). انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها سمت: تهران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- علوی، سید کارمان (۱۳۸۱). تفکر زبان، انتشارات پیام نور: تهران.
- قاسمی، بهروز (۱۳۸۷). نمودار ارتباط برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک، ترجمه، تهران، انتشارات آبتین.

- کوپانس، ژان (۱۳۹۰). درآمدی بر مردم‌شناسی و انسان‌شناسی، ترجمه حسین میرزائی، تهران، نشر ثالث.
- ناعمی، علی (۱۳۸۹). روانشناسی آموزش مهارت‌های ارتباطی و زبان، انتشارات سمت: تهران.
- Cummins, J. (1990). the Infuence of bilingualism on Cognitiv Growth. Cievedon. engiand: A Synthesis of Research Findings and. Bilingualism, No. 9.
- Grosjean, F. (1984). Life with two languages: an introduction to bilingualism. Cambridge: Cambridge University Press.
- Myers-Scotton, C and Jake, J. (2000). Testing a model of morpheme classification with language contact data. International journal of bilingualism, 4(1), 1-8.

علوم رفتاری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

## Using (SWOT) Model In Bilingual Schools Of The First And Second Period (first to sixth elementary schools) Of Ahwaz City With Emphasis Oon Creating Functional Strategies

### Abstract

This research seeks to identify the challenges and opportunities in the bilingual schools of Ahwaz city. Using Swat model, SWOT is designed to identify the weaknesses, strengths, challenges and opportunities. Therefore, the research method used in these studies is a textual analysis method. Also, the society under study in this study is all primary school teachers in Ahvaz city. Using a targeted sampling method, 21 of the 212 schools in the 22 schools with the highest population of Arabic bilingual students were selected. In these studies, 28 teachers were considered as target groups. Using the interview method, the data have been gathered. Using the analytical-interpretive method, the data collected has been analyzed. In these studies, findings are presented at two levels, including Challenges (WT) and Opportunity (SO). Examples include emotional fractures, unbalanced expectations, alienation Educational language, conflict and language interactions, lack of bilingual communication and incomplete communication can be challenged, such as the ability to understand the psychological aspects of bilingual students, the application of socio-cultural components of the region, the ability to understand the stages of linguistic development In bilingualism, the use of the method of linguistic commonality (a two-way method) and the use of the linguistic integration method (transitional method) can be used as an opportunity in these schools. It should be noted that to take advantage of these opportunities in the field of action Facing the Challenges, Practical Strategies (SO) at the end of this Studies have been made.

**key words:** swot model, bilingualism, Bilingual schools, Applied strategy.